

## گفتگویی در باب حکمت اشراق



□ در شماره پیشین، مباحثه‌ای درباره مفهوم فلسفه، ضرورت فلسفه، تاریخ فلسفه در جهان اسلام، درج گردید و بویژه فلسفه مشاء مورد نقد و تحلیل قرار گرفت. در ادامه آن مباحث، استادان فلسفه، حکمت اشراق را مورد بررسی قرار داده و به کندوکاو و نقد آن پرداخته‌اند که در ذیل از نظر اند بشوران گرامی می‌گذرد.

فلسفه عام بوده است، ولی ما به حکمت دیگری دست یافته‌ایم که او را فعلاً ننوشته‌ایم. البته ابن سینا ظاهراً قصد نوشتن آن را داشته، یا شاید نوشته، اما به دست ما نرسیده است. به هر صورت در آنجا سخن از حکمت دیگری است، غیر از آنچه که نوشته و به دست ما رسیده است.

اما در این چند قصه رمزی و تمثیلی که از ابن سینا به یادگار مانده، مثل سلامان و ابسال و یا داستان حی بن یقظان می‌شود رگه‌ها و نمونه‌هایی از تفکر اشراقی او را دید. اتفاقاً خود جناب شیخ اشراق، شهاب‌الدین سهروردی هم به این نکته اشاره دارد و در جایی گفته است که ابن سینا در صدد بود که چیزی در باره

● کیهان اندیشه: با سلام و تشکر از عنایتی که آقایان به کیهان اندیشه دارند و در این جمع حضور رساندند، بحث را با سؤال از فلسفه اشراق، امتیازات، خصوصیات و عناصر اصلی آن، آغاز می‌کنیم.

● استاد دینانی: زمینه‌های فکری فلسفه اشراق در سخنان خود ابن سیناست. ابن سینا در مقدمه کتابی که از او به یادگار مانده است به نام حکمة المشرقیین (در قاهره قسمت منطق آن به نام منطق المشرقیین چاپ شده و مقدمه حکمة المشرقیین هم با آن چاپ شده است)، در آن مقدمه می‌گوید، آنچه که ما نوشتیم، شفا، اشارات،